دکتور لعل زاد

فبروری ۲۰۲۰

میرغلام محمد غبار یا پدر تاریخ سازی جعلی افغانستان!

==

بسیاری از دوستان و هموطنان عزیز ما غبار را با کتاب مشهور «**افغانستان در مسیر تاریخ، ۱۳۴۶**» او می شناسند، غافل از اینکه او چندین دهه پیش، نخستین جریده هفتگی «**ستاره افغان، ۱۲۹۸**» را در دوران امان الله و تاریخ سازی جعلی برای کشوری بنام افغانستان را با نگارش دو رساله مهم زیر نام های «**افغانستان و نگاهی به تاریخ آن، ۱۳۱۰**» و «**تاریخچه مختصر افغانستان، ۱۳۱۱**» در دوران نادرشاه بنیاد نهاد (مانند کشف آریانا، باختر، خراسان، پیشینه ۴۰۰۰ ساله برای کشور افغانستان، پیشینه ۲۵۰۰ ساله برای قوم پختون و...)! و آن هم در زمانی که نه حبیبی بود، نه کهزاد، نه پشتو تولنه و نه انجمن تاریخ...

محتوای بخشی از این دو رساله او قرار زیر است (از رساله «**احمد شاه بابای افغان**» او که در ۱۳۱۷ و به فرمان سردار داود نوشت و سایر آثار او در انجمن تاریخ صرفنظر می کنیم):

۱. افغانستان و نگاهی به تاریخ آن!

(مجله کابل، ۱۳۱۰، سال اول، شماره ۲، ص ۴۳)

[1]

افغانستان در چهار هزار سال پیشتر (تخمینا) از طرف اقوام آریایی که از سواحل سیحون و جیحون در افغانستان هجرت کرده و بدوا ولایت هرات را مسکن قرار داده بودند، بمناسبت نام مهاجرین آریایی آریانا نامیده شد.

تقریبا در سه هزار سال قبل هنگامیکه این نژاد آریایی در ولایت بلخ به تشکیل سلطنت پرداختند، افغانستان موسوم به باکتریا گردید و در اثر تبدلات طبیعی اسم باکتریا بود که ولایت بزرگ مشرقی افغانستان باکتیا و متعاقبا پاکتیا خوانده شد و ساکنین آن باسم باکتین مشهور گردیدند، پکتون و پکتانه یا پختون و پختانه از همان اسم پاکتیا و پکتین گرفته شده و بعد ها اسم ملی افغانستان گردید و اجانب و هندو ها پشتانه را به پتهان مبدل ساختند... اعراب باین مملکت خراسان نام نهادند... بالاخره از دو نیم قرن پیشتر افغانستان اسم عمومی و ملی مملکت گردید...

در عهد حکومت های یونانیان بلخ در قبل المیلاد و یا دور های سلاطین کوشانی و هیاطله ها در بعد المیلاد و هکذا در زمان سلطنت های غزنویه و غوریه در بعدالاسلام، حتی در عهد خروج ابدالیان در دو قرن پیشتر، مملکت افغانستان دارای چنان تشکیلات عظیمه امپراطوری بود که حدود سیاسیه اش بعلاوه افغانستان طبیعی شامل ممالک ماورالنهر، خوارزم، قسما فارس و هندوستان بوده و گاهی هم تعداد اتباع امپراطوری افغانستان به یکصد ملیون میرسید...

لینک این رساله:

http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=1594

۲. تاریخچه مختصر افغانستان!

(سالنامه کابل، ۱۳۱۱، ص ۷)

افغانستان مملکتی است در آسیای جنوبی که جغرافیای طبیعی و نژادی قدیم او شامل ممالک افغانستان حالیه، بخارا و سمرقند، خوارزم، خراسان و کرمان، کل سیستان، بلوچستان، سند و پنجاب، کشمیر است. اما جغرافیای سیاسی قدیم او بعلاوه ممالک مذکور شامل ولایات کاشغر، ختن، قسما فارس و حوضه های هندوستان تا رودبار گنگا و جمنا شمرده میشد.

در قرون ماقبل المسیح افغانستان بنام های باختر، آریانه، آریاورتا خوانده میشد و در دوره اسلام مشهور به خراسان گردید.

ولایات عمده افغانستان قدیم عبارت بود از: تخارستان (قطغن و بدخشان حالیه)، باختر (میمنه و مزار)، سغد (بخارا و سمرقند)، خوارزمیش (خوارزم)، آریانا (هرات)، اپارتیا (خراسان)، کارامانیا (کرمان)، سکاستین یا سجستان (سیستان، فراه و پشت رود)، زابلستان اراکوسیا (قندهار)، اورشیا (بلوچستان)، اندس (سند)، زت کوش (پنجاب)، کشمیر، بلورستان یا بولر (نورستان و چترال)، پاکتیا یا پاختیا (سمت جنوبی حالیه)، گندهارا (ولایات پشاور، سوات، کابل)، غور (هزاره جات حالیه و غور).

لینک این رساله:

https://jawedan.com/wp-content/uploads/2019/05/%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE%DA%86%D9%87-%D9%85%D8%AE%D8%AA%D8%B5%D8%B1-%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86-1.pdf

یا https://drive.google.com/open?id=1jyydwSUg60REL9hg6R0pwl-_IPqziWqD

+ + +

تمام تاریخ سازی ها و افغان سازی های بعدی توسط «**پشتو تولنه**، ۱۳۱۶» و اعضای آن (حبیبی، بینوا، رشتین، خادم وغیره) و «**انجمن تاریخ**، ۱۳۲۱» و اعضای آن (کهزاد، غبار وغیره) بر بنیاد همین کشفیات و اختراعات غبار در این دو رساله است که آن را با سندسازی ها، هویت سازی ها و اسطوره سازی های بیشتر (مثل پته خزانه ها، ملالی ها وغیره) به پایه اکمال رسانیدند...

اما غبار در پایان عمر خود که کتاب مشهور «افغانستان در مسیر تاریخ» را در مذمت دربار نوشت، باز هم به هیچ یک از این تاریخ سازی ها، افغان سازی ها و اسطوره سازی ها اشاره ای نکرد، در حالیکه او شاهد عینی تمام این حوادث و فجایع بود!!!



تاریخچهٔ مختصر افغانستان

سالنامه کابل ۱۳۱۱

نگارش جناب میرغلام محمدخان غبار عضو انجمن ادبی کابل

افغانستان مملکتی است در آسیای جنوبی که جغرافیای طبیعی و نژادی قدیم او شامل ممالک افغانستان حالیه، بخارا و سمرقند، خوارزم، خراسان و کرمان، کل سیستان، بلوچستان، سند پنجاب، کشمیر است، اما جغرافیای سیاسی قدیم او بعلاوه ممالک مذکوره شامل ولایات کاشغر، ختن، قسماً فارس و حوضه های هندوستان تارود بار گنگا وجمنا شمرده میشد. در قرون ماقبل المسیح افغانستان بنام های باختر، آریانه، آریا ورتا خوانده میشد، و در دورهٔ اسلام مشهور به خراسان گردید، ولایات عمدهٔ افغانستان قدیم عبارت بود از: ـ تخارستان (قطغن و بدخشان حالیه) باختر (میمنه و مزار) سغد (بخارا و سمرقند) خوارزمیش (خوارزم) اریانا (هرات) اپارتیا (خراسان) کار امانیا (کرمان) سکاستین یا سجستان (سیستان ـ فراه و پشت رود) زابلستان یا ارا کوسیا (قندهار) اورشیا (بلوچستان) اندس (سند) زت کوش (پنجاب) کشمیر، بلورستان یابولر (نورستان وچترال) پاکتیا یا پاختیا (سمت جنوبی حالیه) گندهارا (و لایات پشاور سوات، کابل) غور (هزاره جات حالیه وغور).

افغانستان و نگاهی به تاریخ آن

مجله کابل، سال ۱۳۱۰

افغانستان جغرافی:

افغانستان در چهار هزار سال پیشتر (تخمیناً) از طرف اقوام آریائی که ازسواحل سیحون وجیحون درافغانستان هجرت کرده وبدواً ولایت هرات را مسکن قرار داده بودند، بمناسبت نام مهاجرین آریائی آریانا نامیده شد. تقریباً درسه هزار سال قبل هنگامیکه این نژاد آریائی در ولایت بلخ به تشکیل سلطنت پرداختند، افغانستان موسوم به باکتریا گردید و در اثر تبدلات طبیعی اسم باکتریا بود که ولایت بزرگ مشرقی افغانستان باکتیا و متعاقباً پاکتیا خوانده شد، وساکنین آن باسم پاکتین مشهور گردیدند، پکتون

احمدعلی کهزاد

افغانستان درجریان تاریخ

۱۳۳۸

افغانستان درجریان تاریخ ۵۰ هزارساله تاامروز از دورهٔ اولی پاله‌ای اولی تیک (دورهٔ قدیم حجر) که شکاریان نیمه برهنه در غارهای هند و کش زندگانی داشتند تاوسط قرن ۲۰ تحولات بزرگ گوناگونی را دیده که درهمه‌ای آن نقش موقعیت جغرافیائی کشور در دل آسیا مشهود است از غارقره کمر (نزدیکی ایبک) تا تپه ی مند یگک (۵۵ کیلومتری شمال قندهار) باشندگان قدیم دوره‌های قدیم و جدید حجری از ۵۰ تا ۵ هزار سال قبل راهی را در زرایش سنگ صیقل کردن از ابزار ...گرد تا اینکه بحیث کوچی و مالدار در حوزه های ارغنداب و هیرمند مستقر گردید. ازروز اول استقرار او این دسته مردمان

قوم من! ای توده والا نژاد / وی نیاکان غیورت مردو راد
باتو دارم گفتگوی محرمی / تا ز اسرار حیات اگاه شوی
بشنوای پشتون باصدق وصفا / حافظ کهسار و قلب اسیا
گربزرگی خواهی و ازادگی / یا چو اسلاف غیورت زندگی
اولا پشتو لسانت زنده ساز / هم بر این شالوده کاخت برفراز
تاتوانی تکیه بر شمشیر کن / قصر ملت را بر ان تعمیرکن

(عبدالحی حبیبی مدیر طلوع افغان، میزان سال ۱۳۱۷ ش)